فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و یکم. بهار ۱۳۹۸، صص۱۴۵-۱۲۹ Vol 3. No 31. 2019, p 129-145
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مطالعه تطبیقی محدودیت‌های دموکراسی در ایران، فرانسه و امریکا

مرتضی امیری ابراهیم محمدی[1]. حمیدرضا جمالی[2]
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد. حقوق عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. ایران
۲. عضو هیات علمی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. ایران

چکیده

دموکراسی یک روش حکومتی است برای مدیریت کم خطا بر مردم حق‌مدار که در آن مردم، نه فرد یا گروهی خاص، حکومت می‌کنند. کلمه دموکراسی در اصل یونانی بوده و به معنی مردم سالاری می باشد در مطالعه دموکراسی به عنوان متغیر دوم پژوهش حاضر، اگر دموکراسی را به مثابه یکی از روشهای حکومت یا یکی از انواع ساختارهای نظام سیاسی تلقی کنیم. و به نسبی و تدریجی بودن روند تبدیل نظام‌های سیاسی به نظامهای دموکراتیک توجه کنیم، مقوله‌ای به نام دموکراتیزاسیون یا دموکراسی‌سازی مطرح می‌شود که به معنی «روند تغییر نظام سیاسی از نظام غیردموکراتیک به دولت نمایندگی» یا تغییر مسالمت‌آمیز دولت بر مبنای خواست مردم است. شاخص دموکراسی براساس میانگین پنج بخش اصلی شامل شیوه انتخابات و تکثرگرایی، کارایی دولت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی ارزیابی می‌شود. این فهرست، کشورها را بر اساس وضعیت دموکراسی از بهترین تا بدترین وضعیت به به چهار نوع دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، حکومت‌های بینابینی و حکومت‌های استبدادی تقسیم می‌کند. این فهرست اولین بار در سال ۲۰۰۶ تهیه شد و سپس در سال‌های بعد به‌روزرسانی شد.

نتایج این تحقیق نشان: مهمترین محدودیت های دموکراسی درایران نسبت به فرانسه وامریکا ضعف در حوزه‌های اجتماعی ومطبوعات است. این موضوع در امریکا ضعف در وضعیت پناهندگان ودر فرانسه در فرهنگ سیاسی نوین ودر وضعیت اجتماعی است. در این تحقیق بیان شده که دموکراسی از امکاناتی همچون آزادی‌های عمومی، برابری‌های سیاسی، آزادی احزاب و گروه‌ها، انتخابات و اصالت قانون در رابطه با حکومت اسلامی برخوردار است. و در مقابل محدودیت‌هایی نظیر حاکمیت قوانین بشری و مشروعیت مردمی حکومت و نیز نقش برجسته ی چندین اقلیت را به دنبال دارد. دموکراسی گفت و گویی نظریه‌ی حکومت اسلامی را با محدودیت‌هایی در خصوص مبنای مشروعیت مردمی، انسان محوری، برابری ذاتی انسان‌ها، عرفی شدن سیاست، محدود شدن دین به حوزه‌ی اخلاق و امور فردی و امکاناتی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نظیر تعیین راه‌های دفاع از حق حاکمیت مردم در برابر حاکمان، مشورت و مشارکت آنان در انتخاب حاکمان و تحدید اختیارات حکومتی «بر مبنای اصل تفکیک قوا» از سوی مردم مواجه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: محدودیت ها، دموکراسی، ایران، فرانسه و امریکا

مقدمه

مفهوم دموکراسی تساوی سیاسی بین تمام شهروندان می‌باشد. این مفهوم به جوامعی اشاره دارد که در آنها عرف، روش و الگوهایی وجود دارد که به‌عنوان راهنماهایی به سوی تساوی قدرت سیاسی تلقی می‌شوند. اولین و مهم‌ترین این عرف‌های اجتماعی عبارت از رخداد منظم، آزاد و آشکار انتخابات می‌باشد که به منظور انتخاب نمایندگانی می‌باشد که پس از انتخاب شدن مدیریت کل و یا عمده سیاست‌های عمومی جامعه را عهده‌دار می‌شوند. در این دیدگاه ممکن است این اشکال مطرح شود که اکثریت رای‌دهندگان برای سیاست تصمیم می‌گیرند نه اکثریت مردم و بنابراین راه بحث در باره اجباری شدن مشارکت سیاسی مثل رای دادن اجباری را باز می‌نماید و نیز اشخاص با پشتوانه مالی بیشتر امکان تأثیرگذاری بیشتری در جامعه در مبارزات انتخاباتی داشته و بنابراین ممکن است قوانینی جهت شفاف‌سازی منابع مالی در اختیار نامزدهای انتخاباتی مورد نیاز باشد.

حقوق عمومی و به ویژه حقوق اساسی در ارتباط و پیوند تنگاتنگ با عرصه‌های گوناگون اجتماع و زندگی افراد جامعه قرار دارد. به این سبب، مطالعات تطبیقی با رویکرد حقوقی صرف، اگرچه شاید از دیدگاه نظریه‌پردازی و طرح مباحث علمی مفید باشد، اما به نظر می‌رسد در مقام عمل، گره‌گشای مشکلات نخواهد بود. بنابراین، نگاهی به وضعیت کشورهای نوظهور و پیشرفته و مطالعهٔ تجربه‌های آن کشورها می‌تواند به عنوان یک الگوی جدید در حقوق اساسی تطبیقی مطرح شود. توجه به این الگو تا حد زیادی جنبهٔ سنت‌شکنی دارد، اما زمان آن رسیده است تا حقوق عمومی خود را از مرزهای محصور و محدود برهاند و از مطالعات جدید نهراسد. البته باید توجه داشت به این رویکرد در سایر کشورها نیز توجه و امعان نظر شده است. اما در حقوق داخلی ما، طرح این مباحث صورتی نوین دارد. به نظر می‌رسد، کاوش و تحقیق در این زمینه در بهبود حقوق داخلی و وضعیت توسعه یافتگی مؤثر خواهد بود.

نکتهٔ مهم در الگوی کشورهای جدید، توجه به ابعادی مانند محیط‌زیست، امنیت غذایی، تأکید بر حفظ منابع تجدید ناپذیر و مدیریت منابع آبی است. درواقع، دیگر صرف وجود حاکمیت قانون، انتخابات آزاد و کثرت‌گرایی حزبی وافی به مقصود نیست. اگر به دنبال توسعه پایدار و همه‌جانبه هستیم، باید به همهٔ عرصه‌ها توجه کنیم. علاوه بر این، موضوعاتی که مطرح شده، دغدغه‌های مهمی برای نسل‌های آینده نیز هستند.

آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مانند بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌های اساسی، حق مطلق نیست و می‌توان محدودیت‌هایی جهت صیانت از اخلاق، امنیت ملی، نظم عمومی،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حقوق و حیثیت دیگران، و. . . بر آن اعمال کرد. در نگاه اول، ممکن است محدودیت‌های ذکرشده، هرکدام کاملاً جدا و بدون ارتباط با یکدیگر به نظر برسند اما دقت در مصادیق این محدودیت‌ها مشخص می‌کند که محدودیت‌های مذکور در موارد بسیاری با یکدیگر ارتباط کامل و حتی در برخی موارد، همپوشانی دارند. به‌عنوان نمونه، نمایش یک فیلم با محتوای مستهجن اگرچه ممکن است امر غیراخلاقی تلقی شود، اما از آن نظر که ممکن است کودکان دریافت‌کننده آن باشند، مغایر سلامت کودکان، و از آن جهت که ممکن است احساسات دیگران را تحریک کند، مغایر حقوق دیگران و در یک جامعهٔ دینی مانند ایران، مغایر نظم عمومی، مصلحت و موازین اسلام باشد. این ارتباط و همپوشانی میان محدودیت‌های آزادی بیان از آنجا ناشی می‌شود که همگی آن‌ها مفاهیمی کلی و کش‌دار است که قابلیت تفسیر موسع و تعیین مصادق مختلف را دارد. این امر می‌تواند دست حکومت‌ها را در گسترش دامنهٔ محدودیت، باز گذاشته و درنهایت، آزادی بیان را در تنگنا قرار دهد. لذا لازم است که محدودیت‌ها بر اساس یک مبنای خردمندانه به‌صورت شفاف، روشن و جزئی‌تر بیان شود تا دست حکومت‌ها در ایجاد محدودیت‌های غیرضروری بسته شود. با توجه به مخاطرات ناشی از کلی‌بودن مفاهیم یادشده، تدوین قوانین مربوطه در شرایط دموکراتیک و تنها با هدف تأمین و تضمین حق‌ها و آزادی‌ها، به‌گونه‌ای کاملاً استثنایی اهمیت بنیادین دارد. در صدا و سیمای ایران نیز همانطور که گذشت، آزادی بیان با محدودیت‌هایی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی روبه‌روست که به نظر می‌رسد، برخی از این محدودیت‌ها به‌صورت کامل، قابل انطباق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر نباشد. در میان موارد اختلافی، محدودیت‌های مبتنی بر دین مبین اسلام، برجستگی خاصی دارد. این اختلاف بنیادین، ریشه در منشأ قوانین دارد. اداره دولتی صدا و سیما نیز خود محدودیتی دیگر است که تمام محدودیت‌ها را در دل دارد. انحصار یادشده، ناشی از تفسیر شورای نگهبان از اصول ۴۴و ۱۷۵ قانون اساسی است. این در حالی است که امروزه نهادهای ناظر و مفسر قانون اساسی در کشورهای دموکراتیک دنیا، گام‌های مؤثری در جهت صیانت از آزادی بیان در تمام اشکال آن برداشته‌اند. حتی در جاهایی که قانون اساسی درباره حقوق و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، کوتاهی یا غفلت کرده باشد، از طریق فرایند اساسی‌سازی، نقصان مزبور جبران می‌شود.

با توجه به موارد گفته شده وبرجسته بودن مفهوم دمکراسی در این کشورها (ایران، فرانسه و امریکا) محقق سعی دارد به بررسی محدودیت‌های برقراری دموکراسی بپردازد تا با برجسته کردن محدودیت‌ها راه‌حلی برای برطرف شدن انها ارائه کند.

بیان مساله

اسناد بین‌المللی و مقررات حقوق داخلی به دنبال تضمین حقوق و آزادی‌هایی برای انسان‌ها است که این حقوق به صِرف انسان بودن به وی تعلق می‌گیرد. حقوق و آزادی‌های مذکور در دو سطح قابل بررسی است. سطح اول صرفاً ناظر بر حقوق و آزادی‌های ذاتی یک انسان مانند حق حیات، حق آزادی بیان، حق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آزادی رفت و آمد، حق آزادی مسکن، ازدواج و. . . است و عهده‌دار توجیه اصل وجود آزادی‌ها است که تحت عنوان حقوق بشر نامیده می‌شود. به بیان دیگر، حقوق بشر مجموعه حقوق و آزادی‌های افراد را در وضعیت مطلوب و ایده‌آل مقرر می‌دارد. سطح دوم، معطوف به مطالعه تضمین‌ها و الزامات ناشی از حقوق و آزادی‌های عمومی در قالب قواعد و مقررات داخلی است. هنگامی که حقوق مورد مطالعه در سطح اول جهت تبدیل به مقررات الزام‌آور در عرصه اجتماعی وارد در حوزه سطح دوم، موضوع محدودیت‌ها و جوانب آن می‌شود، این حقیقت آشکار می‌گردد که آزادی مطلق و بی قید و شرط امکان‌پذیر نیست و هیچ عقل سلیمی بدان باورمند نیست. بر همین مبنا، مطالعه‌ی محدودیت‌های ناشی از آزادی‌های عمومی در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی مجموعه اسناد و مقررات پیرامون آزادی‌های عمومی نشانگر آن است که آزادی دیگران و منافع عمومی دو معیار و ضابطه اصلی حدود و ثغور آزادی‌ها می‌باشد. این در حالی است که تعریف این دو شاخصه با توجه به ارزش‌ها و موازین حاکم بر حکومت‌های گوناگون، متفاوت است. آزادی دیگران به عنوان معیاری جهت محدود نمودن آزادی‌های عمومی، وابسته به درک از آزادی و نحوه نگرش به آزادی است. آزادی به مفهوم نفی حاکمیت و سیطره غیر در اندیشه لیبرال‌دموکراسی غرب بر مبنای منفعت‌طلبی، لذت‌خواهی و سودگرایی انسان‌ها و عدم اعتقاد به فراماده شکل گرفته است؛ در حالی که در اندیشه اسلامی، آزادی بر مدار دو اصل «عدم برتری انسان از ناحیه خود بر دیگری» و «بندگی خداوند متعال» معنا می‌شود و بر همین اساس، بندگی خداوند و دستیابی به مقام رشد انسانی با اعتقاد به غیب و زندگی جاودانه اخروی با مفهوم آزادی اسلامی در هم تنیده شده است و بر اساس همین تفاوت در معنا، مفهوم آزادی و در نتیجه مفهوم آزادی دیگران نیز در حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها تمایز می‌یابد و معروف و منکر، معیاری برای شناخت آزدی افراد یا آزادی دیگران به حساب می‌آید.

مهمترین مسئله ای که محقق در این تحقیق قصد دارد به آن بپردازد بررسی مهمترین موارد وارده بر دموکراسی تحت عنوان محدودیت در سه کشور آسیایی (ایران با پیشینه تاریخی و حقوق اساسی برگرفته از قوانین کشورهای اروپایی) فرانسه در اروپا با داشتن پیشینه تاریخی از جنگ‌های جهانی وقانون اساسی محکم و کشور امریکا که در زمینه دموکراسی خود را از ابر قدرت‌های جهان می‌داند.

ـ محقق قصد دارد تا ضمن تعریف دموکراسی وابعاد آن این موضوع را در این سه کشور به چالش بکشد.

ـ مهمترین موارد نقض یا پذیرش دموکراسی را در این سه کشور بررسی کند.

ـ مهمترین ضرورت پرداختن به این موضوع درایران توجه به موضوعاتی مانند:

۱- ضعف عوامل ارادی مثل عدم مشروعیت دموکراسی،

۲- جامعه‌ی مدنی وابسته،

۳- فقدان وفاداری به هویت مشترک،

۴- شکاف مردمسالاری- اقتدارگرایی می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مهمترین ضروت تحقیق در فرانسه نسبت به ایران و امریکا در ایجاد فرهنگ سیاسی نوین و وضعیت اجتماعی می‌باشد. و به نظر میرسد محدودیت‌های دموکراسی در امریکا نسبت به فرانسه و ایران در وضعیت پناهندگان و حوزه‌های مختلف اقتصادی باشد.

سئوالات تحقیق

۱- مهمترین محدودیت‌های دموکراسی در ایران نسبت به فرانسه و امریکا در چه حوزه‌های می‌باشد؟

۲- مهمترین چالش‌هادر مقابل دموکراسی در ایران کدامند؟

۳- مهمترین محدودیت‌های دموکراسی در فرانسه نسبت به ایران و امریکا در چه حوزه‌های می‌باشد؟

۴- مهمترین محدودیت‌های دموکراسی در امریکا نسبت به فرانسه و ایران در وضعیت پناهندگان در چه حوزه‌های می‌باشد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- به نظر می‌رسد محدودیت‌های دموکراسی در ایران نسبت به فرانسه و امریکا شامل ضعف در حوزه‌های اجتماعی و مطبوعات می‌باشد.

۲- به نظرمی‌رسد مهمترین محدودیت‌های دموکراسی در فرانسه نسبت به ایران و امریکا شامل ضعف در ایجاد فرهنگ سیاسی نوین و وضعیت اجتماعی می‌باشد.

۳- به نظر می‌رسد مهمترین محدودیت‌های دموکراسی در امریکا نسبت به فرانسه و ایران شامل ضعف در وضعیت پناهندگان و حوزه‌های مختلف اقتصادی باشد.

دموکراسی در امریکا

پس از شکست ایدئولوژی الحادی کمونیسم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، لیبرالیسم و ارزش‌های آن به عنوان آخرین و تنهاترین نسخه جوامع بشری از سوی نظریه‌پردازان غربی مطرح شد. فرانسیس فوکویاما، استاد اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانشگاه جانز هاپکینز در کتاب جنجال برانگیز پایان تاریخ و آخرین انسان (۱۹۹۲) که تاکنون به بیش از بیست زبان دنیا ترجمه شده، پیروزی «لیبرال دمکراسی» را آینده محتوم بشری می‌داند (فرانسیس فوکویاما، ۱۳۷۲، ش ۳۶۳، ۳۶). به نظر وی، دلیل پیروزی لیبرالیسم این بود که توانست دو نیاز بنیادی را که انسان در طول تاریخ بدون توجه به زمان و مکان درصدد دستیابی به آن بوده است در اختیار او قرار دهد، و تنها در بطن لیبرالیسم بوده که انسان موفق شده است به دو مقوله آزادی و رفاه مادی دست یابد. اما سایر ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها در طول تاریخ در برآوردن توأمان این دو نیاز با شکست روبه‌رو بوده‌اند؛ سقوط فاشیسم و در نهایت، کمونیسم نماد این شکست‌هاست. تمدّن کنونی غرب به شکل لیبرال دموکراسی و با ارزش‌های «فردگرایی افراطی»، «بازار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آزاد» و «حقوق بشر جهان شمول» آخرین مرحله تکامل بشری به حساب می‌آید (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۷۹، ۵۴۶.) بر این اساس، دولت‌ها و نظریه‌پردازان سیاسی غرب، تمام کشورهای جهان را در جهت پذیرش اصول و ارزش‌های لیبرال دموکراسی تحت فشار مستمر قرار می‌دهند؛ چرا که به گمان آنان این سرنوشت محتوم بشریت است که در آخرین پله رشد سیاسی، دموکراسی لیبرال را در تمامی کره زمین تحقق بخشد تا در نهایت، به پایان تاریخ برسد؛ پایانی که در پس آن صورتی پیشرفته‌تر، کاراتر و مفیدتر از لیبرال دموکراسی در ساختار سیاسی بشری وجود ندارد. اینکه نظریه مزبور تا چه میزان صحت داشته و توانایی پاسخ گویی به نیازهای واقعی بشر را دارد، موضوعی است که به شدت با واقعیات عینی و تاریخی جوامع لیبرال دموکرات ناسازگار است؛ افزون بر ایرادات اساسی و مشکلات فنی که در بعد نظری بر آن وارد شده، در عرصه عملی نیز با چالش‌های متعددی روبه روست. نوشتار حاضر درصدد پرداختن به برخی از این محدودیت‌هاست:

محدودیت های دموکراسی در امریکا

محدودیت‌های دموکراسی در امریکا شامل موارد زیر است:

۱- مسئله آزادی خواهی در امریکا

واژه لیبرالیسم به معنای آزادی‌خواهی، از واژه لاتین «liberity» اشتقاق یافته است. مفهوم اصلی ایدئولوژی لیبرالیسم، آزادی شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون است و قانون‌گرایی، تفکیک قوا، رعایت حقوق بشر و حکومت مبتنی بر نمایندگی از اصول آن محسوب می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۲، ۱۲۵).

۲- فقر عدالت در امریکا

از دیدگاه جان راولز، یکی از اندیشمندان لیبرال و نویسنده اثر مشهور نظریه عدالت (۱۹۷۱) نابرابری اقتصادی فقط موقعی توجیه‌پذیر است که در راستای نفع فقیرترین افراد جامعه و کسانی باشد که از کمترین مزایا برخوردارند. جامعه عادی به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، توزیع ثروت از طریق شکلی از نظام رفاهی به سود افراد کمتر مرفه صورت می‌گیرد (آنتونی، ۱۳۸۸، ۸۰۴-۸۰۶)

۳- لیبرالیسم و آزادی در آمریکا

از سوی دیگر، علاوه بر برابری، آزادی لیبرالیسم نیز با چالش‌ها و انتقادات زیادی روبه روست. برای نمونه، اصل مبنای فکری جان لاک درباره آزادی، دچار تناقض است. وی از سویی، بر آزادی طبیعی بشر «از هرگونه قدرت مافوق زمینی» و مافوق طبیعت ـ به عنوان منشأ و بستر پیدایش لیبرالیسم ـ تأکید دارد و از سوی دیگر، قانون و قانونمندی را هیچگاه منافی با آزادی نمی پندارد. علت تناقض این است که وقتی پذیرفتیم قانونمند بودن منافی آزادی بشر نیست، چه تفاوتی میان قانونمند بودن به قانون دینی و قانونمند

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بودن به قانون طبیعی یا مدنی می‌باشد؟ چرا قوانین و الزامات دینی مناقض آزادی بشر است، اما قوانین طبیعی و مدنی موجب توسعه آزادی می‌باشد؟ از نظر فریدریش هگل فیلسوف آلمانی، جامعه لیبرال در سه مفهوم «آزادی اخلاقی»، «آزادی اقتصادی» و «فرد» تصویری مبهم و یک سویه و نابسامان دارد؛ زیرا آزادی برخلاف تفکر لیبرالی، تنها حذف قیود و محدودیت‌های بیرونی نیست. هگل همانند کانت معتقد است آنچه آزادی واقعی را محقق می کند، توانایی در کنترل و بازداشتن امیال، و انجام رفتارهای آزادانه بر اساس تدبّر و تأمّل عقلانی است. انسانی که ارضای نیاز و امیال فردی، او را به هر سو می‌کشاند یک فاعل عاقل و آزاد نیست. به همین دلیل است که هگل جامعه لیبرالی را یک جامعه غیرآزاد می‌خواند. به نظر وی، آزادی اقتصادی نیز مفهومی یک سویه است. جامعه‌ای که بر اساس اقتصاد بازار آزاد قوام یافته است و همه افراد در پی منافع خودشان هستند، تابع‌ساز و کار بازار می‌شود، همه مناسبات در روابط انسان به صورت تجاری درمی‌آید و به تدریج، جامعه از صفات انسانی تهی می‌گردد. از دیدگاه وی «اینکه کمال فرد را در آزادی وی و در دنبال کردن خواسته ها و نیازهای او بدانیم باعث می شود که احساسات لحظه‌ای و خواسته های نفسانی وی در هر مقطع، سیر به سوی تحقق خواسته های اولیه را هم متوقف کند و از اینرو، هرگونه مفهوم و محتوای واقعی از رفتار او سلب نماید. فیلسوف دیگر آلمانی نیچه پس از اینکه از اندیشه لیبرالیسم، مرگ خدا را در اندیشه و قلب غرب نتیجه می‌گیرد، می گوید: «غرب در مقابل خود دو راه بیشتر ندارد: یا انسان ها به صورت حیوانی صرف، انسان کوچک شده تنازل پیدا کنند که خود آثار وحشتناکی به دنبال دارد یا اینکه انسان را به مقامی بالاتر از آنچه که هست ارتقا دهیم، که آن هم خیال بافی خطرناکی است.» ماکس وبر جامعه‌شناس مشهور در نقد دقیق خود از لیبرالیسم آمریکایی معتقد است: «آمریکایی‌ها خود را در یک قفس آهنین فاسد قومی که تماماً از ریشه منقطع شده گرفتار کرده‌اند. از این رو، عاقبت کار روشن است: یا نظام و جامعه آنها به نحو مکانیزه فسیل می‌شود و یا تحت سیطره متخصصان بی‌معنویت قرار می‌گیرد و یا گرفتار دین‌های خودساخته و خطرناکی می‌شود که خلأ به وجود آمده را پر خواهد کرد» (هگل، ۱۹۹۷: ۵۴).

نتیجه‌گیری

ــ واژه دموکراسی از زبان یونانی می‌آید و معنی آن تقریبا "حکومت مردم" است. مسائل مربوط به دموکراسی چندین هزار سال مورد بحث بوده اما هیچ تعریف جهان شمولی که همه آن را قبول داشته باشند برای آن وجود ندارد. یکی از دلایل آن هم این است که دموکراسی همواره در حال توسعه و تغییر است. اما نکاتی هم وجود دارند که بسیاری در مورد ارتباط آن با دموکراسی توافق دارند، مثلا ارزش و حقوق برابر انسان‌ها، آزادی اندیشه، آزادی چاپ و نشر و بیان، برابری انسان‌ها در مقابل قانون و نیز برگزاری انتخابات آزاد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ در یک جامعه دمکراتیک با انتخابات عمومی و آزاد، اشخاصی که حق رای دارند می توانند به حزب و سیاست‌مداران مورد اعتماد خودرای دهند تا آنان در تصمیم‌گیری های ملی، منطقه‌ای و محلی، نمایندگان موکلان خود باشند. سیاستمداران و احزابی که بیشترین آرا را آورده و اکثریت آرا را گرفته‌اند، قدرت بیشتری در اتخاذ تصمیم‌ها دارند.

ـ سیاستمداران انتخاب شده، نمایندگان کسانی هستند که آنان را انتخاب کرده و از همین رو این نظام دموکراسی نیابتی یا نمایندگی نامیده می‌شود. دموکراسی نیابتی امروزه یک نظام معمول در جهان است و نظامی است که ما در سوئد هم از آن استفاده می کنیم.

ـ با وجود این که در یک جامعه دموکراتیک حق تصمیم‌گیری با اکثریت است، گروه اقلیت نیز دارای حقوقی است که نمی توان به آسانی زیر پا گذاشت. یک اصل اساسی در جامعه دموکراتیک این است که قدرت با احترام به حقوق بشر اعمال می‌شود. این بدین معنی است که تصمیم‌گیرندگان و قدرتمنداران حق ندارند افراد و گروه‌هایی را که نظراتی مخالف با نظرات آنان دارند، سرکوب کنند. تمام افراد جامعه حق دارند نظرات خود را بیان کنند.

ـ انتخابات عمومی مهمترین ابزار مردم برای تاثیرگذاردن بر نحوه اداره کشور است. برا ی این که دموکراسی در کشوری کارآیی داشته باشد حضور و شرکت مردم در آن بسیار مهم است. شرکت هر چه بیشتر مردم در انتخابات عمومی باعث تقویت دموکراسی می شود. عضویت مردم در انجمن ها و بحث و گفتگوی سیاسی با دوستان و همکاران نیز به قدرت گرفتن دمکراسی کمک می کند. یک راه دیگر برای این کار، تماس مستقیم با سیاستمداران و بیان نظرات و ایده های شخصی است. شرکت وسیع مردم در انتخابات تضمینی خواهد بود برای این که سیاست جاری در کشور همان سیاستی است که اکثریت مردم طالب آن هستند.

ـ اما برای این که یک جامعه دموکراتیک شود تنها حضور مردم در انتخابات عمومی کافی نیست. برای این که دموکراسی بتواند عمل کند آنچه در فاصله بین انتخابات رخ می دهد نیز بسیار مهم است.

ـ یکی دیگر از شروط دموکراسی صحبت همراه با احترام است. هم باید به آنچه دیگران می گویند گوش کرد و هم نظرات خود را بیان نمود. احساس تعلق کردن مردم به جامعه برای یک نظام دموکراتیک کارآمد بسیار مهم است. این مردم هستند که از طریق انتخابات عمومی سیاست کلی جامعه را تعیین می کنند اما آنان باید همزمان بتوانند بر زندگی روزمره خود نیز، مثل مدرسه، کار، محله و خانواده تاثیر بگذارند. آزادی مفهومی پرمناقشه است که در مکاتب مختلف برداشت‌های متفاوتی از آن شده و محدودیت‌هایی نیز برای آن بیان شده است که غالبا در اکثر نظام‌های سیاسی اجرا می‌شود. دانستن این محدودیت‌ها هم مرزهای آزادی را بیان می‌کند و هم حدود دخالت مراجع ذی‌صلاح در ایجاد این محدودیت‌ها را مشخص می‌نماید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی‌های مشروع را به رسمیت شناخته است و البته محدودیت‌های «لزوم رعایت و حفظ احکام»، «مبانی و موازین اسلامی»، «مصالح و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حقوق عمومی»، «استقلال، آزادی، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور» و «اساس نظام» را برای آزادی ها بیان کرده است. باید گفت که اولاً این موارد علی‌رغم اینکه ظاهراً دارای قرابت معنایی هستند، ولی هر کدام معانی خاصی را ایفا می کنند و ثانیاً اگرچه این محدودیت‌ها، ذیل برخی آزادی‌ها بیان شده‌اند، اما قابل تسری به همه موارد آزادی هستند.

بحث بر سر معنی دموکراسی در یک جامعه دموکراتیک به خودی خود مهم است. توقف این بحث می‌تواند نشانگر این باشد که از نظر بسیاری از مردم دموکراسی دیگر اهمیت زیادی ندارد و این به نوبه خود می تواند نشانه تضعیف دموکراسی باشد.

این سئوال که آیا دموکراسی خوب است یا نه از زمانی که این مفهوم پا گرفت مطرح بوده. کسانی هستند که معتقدند نظام های دموکراتیک همیشه مانند نظام های دیکتاتوری سریع و کارآمد نیستند و عقیده دارند که نظام‌های دیکتاتوری با سرعت تصمیم گیری خود می توانند تصمیمات گوناگونی را اتخاذ می کنند. در یک جامعه آزاد همه باید بتوانند نظر خود را بیان کنند و با مصالحه و رای‌گیری به تصمیمات لازم برسند. به همین خاطر در شرایط بسیار حساس حتی در نظام‌های دموکراتیک نیز می‌توان برای رسیدن به سرعت و کیفیت، اصول دموکراسی را کنار گذاشت. در شرایط بحرانی گاهی رهبران جامعه احتیاج به اخذ تصمیمات سریع برای جلوگیری از بدتر شدن وضعیت موجود دارند.

نمون های وحشتناک فراوانی از دولت های غیردموکرات وجود دارند که مردم خود را سرکوب و ترور کرده‌اند. در حکومت های دیکتاتوری، مردم به خاطر نظراتشان و یا تعلق داشتن به یک قوم و یا گروه خاص زندانی م‌شوند. تاریخ نشان داده است که حکومت های دموکراتیک بهتر از دیگران آزادی فردی و حقوق بشر را پاس می‌دارند. و این که دموکراسی و صلح معمولا هنگامی که مردم کشورهای مختلف در تماس و داد و ستد هستند، پابرجا می‌ماند.

۱- نظر به همین موارد در کشورهای مختلف روش‌های مختلفی اتخاذ گردیده است. مثلاً در ایالت متحده آمریکا رأی‌دهنده باید دلیلی بر اطلاعات عمومی ابراز کند. برای این منظور در برخی ایالات خواندن و درک مفاهیم قانون اساسی ملاک آزمایش است و در بعضی دیگر گواهی تحصیلات ابتدایی و در سایر ایالتها راه و روش دیگری متداول می‌باشد.

۲- در کشور فرانسه هم هیچ شرط محدودکننده‌ای مبنی بر محدودیت تحصیلات نیامده و در واقع مبین این است که افراد توانایی شرکت در انتخابات رادارا هستند بدون تبعیض تحصیلاتی.

پیشنهادها

با توجه موارد مطرح شده، جهت بررسی دموکراسی و محدودیت‌های آن پیشنهاداتی را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱- درخصوص کاهش محدودیت‌های دموکراسی، قانون‌گذار باید تمهیداتی جهت کاهش این محدودیت‌ها پیش‌بینی نماید، تمهیداتی از جمله برقراری انتخابات آزاد ومسائل حقوق شهروندی و. . .

۲- تصویب قوانین جامع، مسائل مربوط به کاهش محدودیت‌های دموکراسی را اعم از شرایط، آثار و. . . را به طور دقیق مدنظر قرار دهد که هیچگونه ابهامی وجود نداشته باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

کتب

ـ آزر، ادوارد ای و لین مون، چونگ. (۱۳۷۹). امنیت ملی در جهان سوم، چاپ اول، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ـ آیزایا، برلین. (۱۳۸۰). چهار مقاله در آزادی، ترجمه: محمدعلی موحد، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.

ـ اخوان کاظمی، بهرام.(۱۳۸۶). امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان.

ـ امامی، محمد و استوارسنگری، کورش. (۱۳۹۱). حقوق اداری، تهران: انتشارات میزان.

ـ استار، پل (۱۳۸۸)، قدرت آزادی، نیروی راستین لیبرالیسم، ترجمه فریدون مجلسی، نشر ثالث، تهران، چاپ اول.

ـ افروغ، عماد (۱۳۸۰)، نگرش دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی، انتشارات فرهنگ و دانش، تهران، چاپ اول.

ـ امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، شؤون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم.

ـ امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۳، ۴، ۵، ۷، ۸ و۱۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، تهران.

ـ امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، چاپ یازدهم.

ـ بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی، تهران: انتشارت نگاه معاصر.

ـ بال، ترنر، گر، ریچارد (۱۳۸۲)، ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک، ترجمه احمد صبوری، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول.

ـ بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ اندیشه در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، جلد دوم، نشر نی، تهران، چاپ اول.

ـ بوردو، ژرژ (۱۳۷۸)، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر نی، تهران، چاپ اول

ـ بریسک، آلیسون و شافیر، گیرشون. (۱۳۹۰). امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور بناب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

ـ پولن، رمون. (۱۳۸۰). حقیقت‌ها و آزادی، ترجمه: عباس باقری، تهران: نشر نی.

ـ تمیمی، رقیه (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم آزادی و قانون در اندیشه های امام خمینی، جان لاک و منتسکیو، نشر عروج(وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، تهران، چاپ اول.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ تافلر، الوین و تافلر، هایدی (۱۳۷۴)، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: انتشارات سیمرغ

ـ جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۷). ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

ـ جونز، پیتر. (۱۳۹۲). حق‌ها، ترجمه: مشتاق زرگوش و مجتبی همتی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

ـ حاج‌زاده، هادی. (۱۳۹۴). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سالم سازی اسلامی.

ـ دورکین، رونالد. (۱۳۸۷). حقوق و اخلاق، در حق و مصلحت، جلد ۱، ترجمه: محمد راسخ، تهران: طرح نو.

ـ راسخ، محمد و بیات کمیتکی، مهناز. (۱۳۹۲). مفهوم مصلحت عمومی در حق و مصلحت، جلد دوم، تهران: نشر نی.

ـ راسخ، محمد. (۱۳۹۲). ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، درحق و مصلحت، جلد دوم، تهران: نشر نی.

ـ رحمانی، محمد صدیق. (۱۳۸۹). حقوق مالکیت فکری سازمان‌های پخش و تصویر، تهران: نشر میزان.

ـ روشندل، جلیل. (۱۳۹۱). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.

ـ رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰)، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.

ـ رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، «نظریه روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شدن»، در جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها، گردآوری محمدکاظم سجادپور، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ـ رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹)، «نظریه روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شد»، فصلنامه سیاست خارجی، فصل تابستان.

ـ رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگاه.

ـ رزاقی، سهراب (۱۳۷۸)، «چشم‌انداز تحزب و توسعه سیاسی در ایران اسلامی» در تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحزب در ایران، تهران: انتشارات همشهری.

ـ رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ـ سالیوان، راجر. (۱۳۸۰). اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه: عزت‌اله فولادوند، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.

ـ عباسی، بیژن. (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

ـ عمید زنجانی، عباسعلی و موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). بایسته‌های فقه‌سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

ـ قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ کیخا، نجمه. (۱۳۸۶). مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ـ گرجی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات جنگل.

ـ گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

ـ مصباح، مجتبی. (۱۳۸۸). بنیاد اخلاق، چاپ ششم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ـ مهرپور، حسین. (۱۳۸۹). مختصر حقوق اساسی، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.

ـ میل، جان استوارت. (۱۳۸۸). رساله‌ای درباره آزادی، ترجمه: جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ـ یزدان فام، محمود. (۱۳۹۰). دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ـ هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). حقوق اساسی، جلد ۱، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات میزان.

ـ هولمز، رابرت آل. (۱۳۸۲). مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه: مسعود علیا، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.

ـ هابرماس، یورگن (۱۳۸۲)، جهانی شدن وآینده دموکراسی منظومه پساملی، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات مرکز.

ـ هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

ـ هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ـ هلد، دیوید (۱۳۶۹)، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران

ب- مقالات

ـ حدادی، مهدی. (۱۳۸۹). «مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوقی بین‌الملل»، مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۶، سال هشتم.

ـ زارعی، محمدحسین و نجابت‌خواه، مرتضی. (۱۳۸۸). «آزادی بیان»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۱۱، سال ششم.

ـ صادقی، محسن. (۱۳۸۴). «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی و جلوه‌های نوین آن»، فصلنامه حقوق‌وعلوم‌سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸.

ـ فخر بناب، حسین. (۱۳۸۱). «نقدی بر تفسیر شورای نگهبان از اصول ۴۴و ۱۷۵ قانون اساسی»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تبریز.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ کولیور، ساندرا. (۱۳۷۹). «آزادی حق و امنیت»، ترجمه: علی‌اکبر آقایی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴.

ـ کیایی، افشین، ۱۳۹۵ دموکراسی انجمنی و مدیریت شکاف‌های قومی، بخش اول و دوم، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ. ۳۹۵.

ـ معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۳). «ویژگی‌های نظام حقوق رادیو و تلویزیون»، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۰.

ـ موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). «مفهوم مصلحت نظام و مرجع تشخیص آن در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران»، نشریه حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول.

ـ نظری، احسان. (۱۳۸۹). «راه‌های مشارکت مردم در افزایش امنیت اجتماعی»، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹.

ـ واچمن، پاتریک. (۱۳۸۵). «آزادی بیان»، ترجمه: محمدحسین حبیبی، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ششم و هفتم.

ج- پایان‌نامه

ـ آذری، علی. (۱۳۸۴). محدودیت‌های آزادی بیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ شهرام نیا، سید امیرمسعود (۱۳۹۴) جهانی شدن، دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک در ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ خوش‌نویسان، محسن (۱۳۹۳) عرصه‌های نوظهور در حقوق اساسی تطبیقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ محمدی، محمد(۱۳۹۶) تحقیق وضعیت‌ها و چالش‌های دموکراتیک‌سازی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ـ محسن بهشتی‌زاده. (۱۳۹۵) امکان‌ها و محدودیت‌های دموکراسیِ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ نیکوگفتار، صفا (۱۳۹۲) رویکردهای تفسیر قانون اساسی در ایران و آمریکا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ ویژه، م (۱۳۹۲) مراجع صیانت از قانون اساسی و حمایت از مالکیت: نگرشی تطبیقی بر عملکرد مراجع صیانت از قانون اساسی ایران و فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ـ نقیب، فهیمه. (۱۳۹۰). آزادی بیان و توهین به مقدسات در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

د) منابع انگلیسی

Book

__ A. Wilhelm. A. (2001)، Democracy in the Digital Age، London: Routledge.

__ A. McGrew. (1997) ،"Globalization and Territorial Democracy: An Introduction".

__ Albrow. M. (1996)، The Global Age، Cambridge: PolityPress، 1996.

__ Amir. A. (1997)، Placing Globalization، Theory، Culture & Sociology.

__ Ansari. A. (2000) ،Iran، Islam and Democracy: The Politics of Managing Change، London: Royal Institution of International affairs.

__ Blumer. H. (1969). "Social Movements" in A. M. Les، Principles of Sociology، London، Barnes & Noble.

__ Cunningham. F. (2002)، Theories of Democracy: A Critical Introduction، London: Rouledge.

__ Carver، Richard، (2015)، Freedom of Expression: Media Law and Defamation، International Press Institute، Oxford University

__ D. Held and A. McGrew (eds) (2000)، The Global Transformation Reader، Cambridge: PolityPress.

__ David. S. (1972)، "International Encyclopedia of Social Science"، Vol. 2، USA: McMillan.

__ F. Fukuyama (1992) ،The End History and The Last Man، London: Hamish Hamilton.

__ F. Zakaria (1997) ،"The Rise of lliberal Democracy"، Foreign Affairs، Vol. 76، No.

__ Giddens. A. (1991)، Modernity and Self Identity، Cambridge: PolityPress.

__ Gilpin. R. (1987)، The Political Economy of International Relations، Princeton: Princeton University Press.

__ Gourevitch. P. (1986)، Politics in Hard Times، New York: Cornell University Press.

__ Grugel. J(2002)، Democratization: A Critical Introduction، London: Palgrave.

__ Harvey. D. (1989)، The Condition of Postmodernity، Oxford: Blackwell.

__ Hayek. F. A. (1976)، The Road to Serfdom، London: Routledge،

__ Held. D. (1995)، Democracy and Global Order، From the Modern State to Cosmopolitan Governance، Cambridge: PolityPress.

__ Held. D. (1999)، et al. ، Global Tranformation: Politics، Economics and Culture، Cambridge: PolityPress، 1999، Chapters 1، 2، 9.

__ Hirst. P & Thompson. G. (1996)، Globalization in Question: The International Economy and Possibility of Governmance، Cambridge: PolityPress.

__ Holton. R. (1998)، Globalization and the Nation State، London: Mcmilan.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

__ Hoogvelt. A. (2001)، Globalization and the Postcolonial World، Basingstoke: palgrave.
__ Kleingberg. A. (1982)، Cultural pluralism in a Changing World، The UNESCO Courier.
__ Lipset. S. M. (1996)، ááSome social requisites of democracy :Economic development and Scott Burchil، Liberal Internationalism، Theories of International Relations، New York: StMartin.
__ McGrew (ed)، The Transformation of Democracy: Globalization and Teritorial Deomocracy، Cambridge: PolityPress
__ O'Brein. R. J. (2000)، Et at، Contesting Global Governance: Multilateral Econimic Institutions and Global Social Movements، Cacbridge، Cambridge University Press.
__ Petri. R. (1999)، "Globalization، Connection and Dialogues، European Journal of Cultural Studies، Vol. 2، p. 251
__ Richard. K. Moore. R. K. (1997)، "Democracy and Cyberspace" Presented at International Conference Discource and Decision-making in the Information Age، University of Teesside، (WWW. Iol. Ie/ - rkmoore/ cyberjourna).
__ Robert Nozik. R. (1970)، Anarchy، State and Utopia، Oxford: Black Well.
__ Robertson. R. (1992)، Globalization: Social Theory and Global Culture، London: Sage.
__ Rupert. M. (2000)، Ideologies of Globalization: Contending Visions of a NewWorld Order، London: Routledge، 2000
__ Scholte. J. A. (2000)، Globalization، A Critical Introduction، New York: Palgrave.
__ Taylor. P. J. (2000)، "Ization of the World: Americanization، Modernization and Globalization"، in C. Hay & D. Marsh (eds)، Demystifying of Globalization، London: Mcmilan.
__ The 2003 A. T. Kearney / Foreign Policy Magazine Globalization Index (www. atkeamey. com)

Articles

__ Kamali، Mohammad H. ،(1993)، "Freedom of Expression in Islam: an Analysis of Fitnah"، The American Journal of Islamic Social Sciences، Vol. 10، No. 2.
__ Kamali، Mohammad H. ، (2014)، "Ethical Limit on Freedom of Expression with Special Reference to Islam"، CILE Journal، Vol. 2، No. 2
__ Mendel، Toby ،(2008)، Restricting Freedom: Standard and Principles Background Paper for Meeting Hosted by UN Special Rapporteur on Freedom of Opinion and Expression، Center for Law and Democracy.
__ Mendel، Toby، (2012)، Freedom of Expression and the Regulation of Television to Protect Children: Comparative Study of Brazil and Other

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

Countries، Center for Law and Democracy (CLD)، available at: www. law-democracy. org، visited at: 5/3/ 2015

__ Barbas، Samantha، (2012)، How the Movies Became Speech، Rutgers Law Review، Vol 64، No 3.

__ Subhradipta، Sarkar ،(2008) ،Right to Free Speech in a Censored Democracy، National Law School of India University (NLSIU)، Bangalore، available at: http://www.cbfcindia.tn.nic.in.Visited at: 30/ 4/ 2015

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]